

به نام خدا

مهارت های معلمی

مؤلف :

نگار قیسوندی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: قیسوندی، نگار، ۱۳۶۳-

عنوان و نام پدیدآور: مهارت‌های معلمی/مؤلف نگار قیسوندی.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۲۴ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۷۲-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه:ص.[۹۷]-۱۲۴.

Creative teaching

موضوع: تدریس خلاق

Effective teaching

تدریس اثربخش

Teaching -- Technological innovations

تدریس -- نوآوری

Creative thinking

اندیشه و تفکر خلاق

Teacher-student relationships

معلمان -- روابط با شاگردان

Classroom management

کلاسداری

رده بندی کنگره: ۳/LB۱۰۲۵

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۴۹۹۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: مهارت‌های معلمی

مؤلف: نگار قیسوندی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۷۲-۷

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۵
فراتر از مرزهای متعارف: بازتعریف خلاقیت در آموزش.....	۸
پرورش مبتکران فردا: پرورش ذهنیت رشد.....	۱۱
نقش بازی و اکتشاف: از خلاقیت تا نوآوری.....	۱۴
مربیان به عنوان مبتکر: مدل سازی رویکردهای تدریس خلاق.....	۱۶
فضایی برای تخیل: طراحی کلاس درس که الهام بخش خلاقیت باشد.....	۱۹
مدیریت منابع خلاق: ادغام هنر، فناوری و طبیعت.....	۲۱
ایجاد پناهگاه امن برای خلاقیت: تشویق ریسک پذیری و آزمایش.....	۲۴
قدرت همکاری: پرورش جامعه ای از یادگیرندگان خلاق.....	۲۷
خلاقیت فراگیر: پرورش دیدگاه ها و مشارکت های متنوع.....	۳۵
القای خلاقیت در موضوعات اصلی: از ریاضی تا ادبیات.....	۳۸
خلاقیت در علم و اکتشاف: پرورش نوآوران جوان.....	۴۱
هنر بیان خلاق: کاوش در هنرهای بصری، نمایشی و نوشتاری.....	۴۴
پرورش حلال های مبتکرانه: خلاقیت در آموزش STEM.....	۴۶
ادغام موضوعات: رویکردهای بین رشته ای برای آزادسازی خلاقیت.....	۴۹
فراتر از تعالی تحصیلی: اولویت دادن به تفکر خلاق و توسعه مهارت.....	۵۱
پرورش مالکیت: دانش آموزان به عنوان شرکت کنندگان فعال در فرآیند خلاقیت.....	۵۴
یادگیری پروژه محور برای نوآوری: از ایده ها تا راه حل های تاثیرگذار.....	۶۱
انتخاب و خودمختاری: تطبیق تجربیات یادگیری با علایق فردی.....	۶۴

- فناوری به عنوان یک کاتالیزور برای خلاقیت: استفاده از ابزارها و برنامه ها ۶۸
- گیمیفیکیشن و یادگیری مبتنی بر بازی: جذب خلاقیت از طریق بازی ۷۴
- کاوش های مجازی: باز کردن افق های جدید یادگیری خلاق ۷۶
- فراتر از کلاس درس: درگیر کردن والدین و جامعه ۷۹
- توسعه حرفه ای برای آموزش خلاق: توانمندسازی مربیان ۸۱
- پرورش ذهنیت رشد برای نوآوری مستمر ۸۴
- ایجاد یک اکوسیستم خلاق پایدار: مشارکت ها و منابع ۸۸
- غلبه بر چالش ها: استراتژی هایی برای پرورش خلاقیت در زمان های چالش برانگیز ۹۰
- منابع..... ۹۷

مقدمه

در چشم انداز همیشه در حال تکامل قرن بیست و یکم، نوآوری به نیروی محرکه پیشرفت و موفقیت تبدیل شده است. برای پیشرفت در این دنیای پویا، افراد و سازمان‌ها باید ذهنیتی نوآورانه را پرورش دهند که کنجکاوی، خلاقیت و تمایل به کشف ناشناخته‌ها را در بر بگیرد. این بخش به بررسی اهمیت پرورش ذهنیت نوآورانه، نقش کنجکاوی در ایجاد نوآوری، و استراتژی‌هایی برای الهام بخشیدن به فرهنگی می‌پردازد که نوآوری را پرورش می‌دهد و تجلیل می‌کند.

یک طرز فکر نوآورانه با تمایل به به چالش کشیدن وضعیت موجود، پذیرش ریسک‌های حساب شده و جستجوی مداوم راه حل‌های جدید برای مشکلات پیچیده مشخص می‌شود (دوک، ۲۰۱۵، ص. ۱۰۲). افراد با این طرز فکر، تغییر را به‌عنوان فرصتی برای رشد و بهبود می‌پذیرند، نه تهدیدی برای ثبات (هنسی^۱ و آمابیل، ۲۰۱۴، ص. ۷۸). چنین طرز فکری برای موفقیت در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، حیاتی است، زیرا به افراد اجازه می‌دهد تا با چالش‌های جدید سازگار شوند و امکانات جدید را متصور شوند (دو^۲، ۲۰۱۸، ص. ۴۵). سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی می‌توانند با ترویج یک طرز فکر نوآورانه، نیروی کار و بدنه دانشجویی را پرورش دهند که سازگار، انعطاف‌پذیر و قادر به ایجاد تغییرات مثبت باشد.

کنجکاوی به عنوان سنگ بنای طرز فکر نوآورانه عمل می‌کند و حس شگفتی و میل به کاوش را برمی‌انگیزد (لیتمن و سیلویا^۳، ۲۰۱۵، ص. ۹۰). افراد کنجکاو به جستجوی

1- Hennessey

2 -Du

3 -Littman and Sylvia

دانش، پرسیدن سؤال و به چالش کشیدن فرضیات سوق داده می شوند (کاشدان^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۶۷). آنها شکست ها و شکست ها را به عنوان فرصت هایی برای یادگیری و بهبود می بینند تا موانعی برای موفقیت (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۵، ص ۱۰۲). پرورش کنجکاوی در بین افراد باعث ایجاد یک نگرش یادگیری مستمر و یک ذهنیت رشد می شود که هر دو برای نوآوری ضروری هستند (هافستاین^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۱۰). با ایجاد محیطی که کنجکاوی را تشویق و تجلیل می کند، سازمان ها می توانند پتانسیل اکتشافات و راه حل های پیشگامانه را باز کنند.

الهام بخشیدن به فرهنگ کنجکاوی مستلزم رویکردی چند وجهی است که از موسسات آموزشی شروع می شود و به محل کار و جوامع گسترش می یابد (لوونشتاین^۳، ۲۰۱۷، ص. ۱۲۲). در مدارس، مربیان می توانند با تشویق به یادگیری فعال، گنجاندن سؤالات باز در درس ها و فراهم کردن فرصت هایی برای کاوش مستقل، کنجکاوی را ترویج کنند (هنسی و آمابیل، ۲۰۱۴، ص. ۸۹). تأکید بر فرآیند یادگیری و تجلیل از تلاش بر نتایج، انگیزه درونی دانش آموزان را برای جستجوی دانش پرورش می دهد (رایان و دسی^۴، ۲۰۱۷، ص ۳۴۰). علاوه بر این، فراهم کردن دسترسی به منابع یادگیری متنوع و قرار دادن دانش آموزان در معرض رشته های مختلف، آنها را تشویق می کند تا علایق و علایق خود را کشف کنند (لوونشتاین، ۲۰۱۷، ص ۱۲۲). با گذاشتن این پایه کنجکاوی در آموزش، دانش آموزان را برای تبدیل شدن به متفکرانی کنجکاو و نوآور آماده می کنیم.

در محل کار، رهبران نقش مهمی در پرورش فرهنگ کنجکاوی و نوآوری دارند (گران^۵، ۲۰۱۶، ص ۱۸۰). آنها می توانند محیطی ایجاد کنند که کارکنان را تشویق به آزمایش، ریسک کردن و به اشتراک گذاشتن ایده ها بدون ترس از قضاوت کند (آمابیل، ۲۰۱۸، ص. ۵۵). توانمندسازی کارکنان برای پیگیری پروژه های پرشور و اختصاص زمان برای

1 -Kashdan

2- Hofstein

3 -Loewenstein

4 -Ryan and Desi

5- grant

تلاش‌های خلاقانه، پیام روشنی را می‌فرستد که کنجکاوی و نوآوری ارزشمند است (هافستاین^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۹۰). به‌علاوه، رهبران می‌توانند با جستجوی فعالانه بازخورد، پرسیدن سؤالات تفکر برانگیز، و نشان دادن تمایل به یادگیری از دیگران، کنجکاوی خود را مدل کنند (گران، ۲۰۱۶، ص ۱۸۰). هنگامی که کارکنان احساس می‌کنند در جستجوی دانش و خلاقیت از آنها حمایت می‌شود، احتمال بیشتری دارد که ایده‌های نوآورانه خود را به سازمان ارائه دهند.

علاوه بر این، همکاری و تنوع اجزای اساسی یک فرهنگ نوآورانه هستند (وست^۲ و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۸). هنگامی که افراد با پیشینه‌های مختلف گرد هم می‌آیند تا دیدگاه‌های خود را به اشتراک بگذارند، جرقه‌ای از برخورد خلاقانه از ایده‌ها می‌شود (هونگ و پیچ^۳، ۲۰۱۸، ص. ۶۷). تشویق همکاری بین رشته‌ای و ایجاد فضاهایی برای تعاملات خودجوش می‌تواند منجر به پیشرفت‌های غیرمنتظره و راه حل‌های جدید شود (وست و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۸). علاوه بر این، فراگیر بودن و ایمنی روانی در تیم‌ها برای اطمینان از اینکه هر عضو در اشتراک‌گذاری ایده‌های خود و ریسک کردن احساس راحتی می‌کند، حیاتی است (ادموندسون^۴، ۲۰۱۸، ص ۴۵). با پرورش فرهنگ باز بودن و پذیرش دیدگاه‌های متنوع، سازمان‌ها می‌توانند از قدرت خلاقیت جمعی استفاده کنند.

به رسمیت شناختن و جشن گرفتن نوآوری برای حفظ یک ذهنیت و فرهنگ نوآورانه بسیار مهم است (کاشدان و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۶۷). سازمان‌ها می‌توانند برنامه‌های شناسایی ایجاد کنند که ایده‌ها و راه‌حل‌های خلاقانه را تأیید کرده و به آنها پاداش می‌دهد (آمابیل، ۲۰۱۸، ص ۵۵). تجلیل عمومی از تلاش‌ها و دستاوردهای افراد و تیم‌ها نه تنها روحیه را تقویت می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که نوآوری یک هدف ارزشمند سازمانی است. علاوه بر این، به اشتراک‌گذاری داستان‌های موفقیت و درس‌های

1 -Hofstein

2 -West

3 -Hong & Page

4 -Edmondson

آموخته شده از ابتکارات نوآوری، دیگران را برای کشف احتمالات جدید و انجام جهش های نوآورانه الهام می بخشد (گران، ۲۰۱۶، ص ۱۸۰). با تعبیه جشن نوآوری در بافت سازمانی، می توان چرخه مستمری از کنجکاوی و خلاقیت را تداوم بخشید.

پذیرش یک طرز فکر نوآورانه و الهام بخشیدن به فرهنگ کنجکاوی برای پیشبرد پیشرفت و موفقیت در دنیای مدرن ضروری است. با ترویج کنجکاوی و ذهنیت رشد در مؤسسات آموزشی، تشویق ریسک پذیری و تنوع در محیط کار، و به رسمیت شناختن و جشن گرفتن نوآوری، سازمان ها می توانند نیروی کار و جامعه ای از افراد را پرورش دهند که مجهز به مقابله با چالش های پیچیده و ایجاد تغییرات مثبت هستند. سفر پذیرش ذهنیت نوآورانه با کنجکاوی آغاز می شود و با تعهد به یادگیری، آزمایش و همکاری ادامه می یابد. وقتی روح کنجکاوی را در آغوش می گیریم، خود را به روی امکانات بی حد و حصر نوآوری باز می کنیم.

فرا تر از مرزهای متعارف: باز تعریف خلاقیت در آموزش

خلاقیت یک جنبه چند وجهی و ضروری از بیان انسان است که باعث ایجاد نوآوری، حل مسئله و رشد شخصی می شود. در آموزش، مفهوم خلاقیت اغلب به هنرها یا حوزه های خاص محدود می شود و کاربرد وسیع تر آن در بین رشته ها نادیده گرفته می شود. این بخش نیاز به باز تعریف خلاقیت در آموزش را بررسی می کند، جلوه های متنوع آن را می شناسد و از رویکردی جامع حمایت می کند که تفکر خلاق را تشویق می کند، کنجکاوی را پرورش می دهد و فردیت را پرورش می دهد.

به طور سنتی، خلاقیت با تلاش های هنری مانند نقاشی، موسیقی و نوشتن همراه بوده است. در حالی که این اشکال خلاقیت غیرقابل انکار ارزشمند هستند، تمرکز نزدیک بینانه بر هنر، درک ما از پتانسیل واقعی خلاقیت را محدود می کند (آما بیل، ۲۰۱۶، ص ۴۵). در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، جایی که مشکلات پیچیده نیازمند راه حل های نوآورانه هستند، خلاقیت باید از مرزهای مرسوم فراتر رود (سایر، ۲۰۱۴، ص ۷۸). با بسط تعریف خلاقیت برای دربرگرفتن تفکر انتقادی، حل مسئله و

تفکر اصیل در سراسر رشته‌ها، می‌توانیم قدرت دگرگون‌کننده آن را در آموزش باز کنیم (استرنبرگ و لوبارت^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۲).

برای بازتعریف خلاقیت در آموزش، مهم است که تشخیص دهیم تفکر خلاق محدود به تعداد کمی از دانش‌آموزان نیست، بلکه می‌تواند در همه دانش‌آموزان پرورش و پرورش داده شود (پلاکر^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۰۲). تأکید بر خلاقیت به عنوان مهارتی که می‌تواند توسعه یابد، مربیان را قادر می‌سازد تا آن را در برنامه درسی در سراسر موضوعات ادغام کنند (روت برنشتاین^۳ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۲۳۰). با ترکیب تمرین‌های تفکر خلاق، تکالیف باز و فرصت‌هایی برای ابراز وجود در موضوعات مختلف، دانش‌آموزان را قادر می‌سازیم تا از پتانسیل خلاق خود استفاده کنند و به عنوان متفکران نوآور رشد کنند (آمابیل، ۲۰۱۶، ص. ۴۵).

علاوه بر این، کنجکاوی نقش مهمی در پرورش خلاقیت دارد (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۵، ص. ۹۰). ذهن‌های کنجکاو به طور طبیعی تمایل به کاوش، پرسیدن سؤال و جستجوی راه حل‌های جدید دارند (هنسی و آمابیل، ۲۰۱۴، ص. ۸۹). در زمینه آموزش، تشویق کنجکاوی با پرورش خلاقیت همراه است (کاشدان و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۶۷). معلمان می‌توانند با معرفی مشکلات دنیای واقعی، تشویق به تحقیقات مستقل و ترویج فضای امن برای پرسش و کاوش، کنجکاوی را پرورش دهند (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۵، ص. ۱۰۲). با ایجاد یک محیط کلاسی که برای کنجکاوی ارزش قائل است، مربیان می‌توانند جرعه خلاقیت را در دانش‌آموزان خود روشن کنند.

علاوه بر پذیرش خلاقیت به عنوان یک جنبه اساسی آموزش، مهم است که اذعان کنیم که بیان خلاق در افراد متفاوت است. هر دانش‌آموز دارای استعدادها، علایق و شیوه‌های تفکر منحصر به فردی است که باید مورد تجلیل و تشویق قرار گیرد (کافمن و بگتو، ۲۰۱۷، ص. ۵۵). یک رویکرد یک اندازه برای همه آموزش، خلاقیت را مختل می‌

1- Sternberg & Lubart

2 -Plucker

3 -Root-Bernstein

کند، زیرا ممکن است با نقاط قوت و علایق هر دانش آموز همخوانی نداشته باشد (استرنبرگ و لوبارت، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۲). پذیرش تنوع و حمایت از اشکال متعدد بیان خلاق می تواند به باز کردن پتانسیل خلاقیت کامل هر دانش آموز کمک کند (پلاکر و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۰۲).

خلاقیت نه تنها تولید ایده های بدیع، بلکه به کار بردن آنها به شیوه های معنادار است (سایر، ۲۰۱۴، ص ۷۸). در آموزش، این به معنای پرورش فرهنگی است که ریسک پذیری و آزمایش را تشویق می کند (هنسی و آمابیل، ۲۰۱۴، ص ۸۹). معلمان می توانند محیط حمایتی را فراهم کنند که در آن دانش آموزان احساس امنیت کنند تا رویکردهای جدید را امتحان کنند و از شکست های خود درس بگیرند. تاکید بر فرآیند خلاقیت و عدم تاکید بر ترس از شکست به دانش آموزان اجازه می دهد تا ذهنیت رشد را در آغوش بگیرند و با انعطاف پذیری و قاطعیت به چالش ها برخورد کنند (دوک، ۲۰۱۵، ص. ۱۰۲). از طریق فرآیندهای تکراری آزمون و خطا، دانش آموزان می توانند ایده های خود را اصلاح کنند و اعتماد به نفس خود را برای مقابله خلاقانه با مشکلات پیچیده توسعه دهند.

همکاری یکی دیگر از اجزای کلیدی خلاقیت در آموزش است (پلاکر و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۰۲). با کار در تیم های متنوع، دانش آموزان در معرض دیدگاه ها و بینش های متفاوتی قرار می گیرند. پروژه های مشارکتی ارتباطات، همکاری و خلاقیت جمعی را تقویت می کنند (وست و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۷۸). معلمان می توانند تجارب یادگیری مشارکتی را تسهیل کنند که دانش آموزان را برای ترکیب ایده های خود و کار با هم در جهت یک هدف مشترک به چالش می کشد (هونگ و پیج، ۲۰۱۸، ص. ۶۷). با ترویج کار گروهی و وابستگی متقابل، مربیان دانش آموزان را قادر می سازند تا قدرت خلاقیت جمعی را تجربه کنند.

بازتعریف خلاقیت در آموزش برای تجهیز دانش آموزان به مهارت ها و طرز فکر لازم برای پیشرفت در دنیای مدرن ضروری است. با گسترش درک خود از خلاقیت برای در بر

گرفتن اشکال مختلف بیان و تفکر، می توانیم پتانسیل کامل هر دانش آموز را آزاد کنیم. پرورش کنجکاوی، پذیرفتن فردیت، تشویق به ریسک‌پذیری و تقویت همکاری، ستون‌های کلیدی این رویکرد بازتعریف شده برای خلاقیت است. با ادغام خلاقیت در سراسر برنامه درسی و ایجاد فرهنگی که نوآوری را ارج می نهد، آموزش می تواند به کاتالیزوری برای پرورش متفکران خلاق و حل کننده مشکلات آینده تبدیل شود.

پرورش مبتکران فردا: پرورش ذهنیت رشد

در دنیای پر شتاب و همیشه در حال تغییر امروزی، پرورش ذهنیت رشد در میان دانش آموزان به طور فزاینده ای حیاتی شده است. ذهنیت رشد، بر خلاف ذهنیت ثابت، بر این باور تأکید دارد که توانایی ها و هوش را می توان از طریق فداکاری و سخت کوشی توسعه داد. این بخش به اهمیت پرورش ذهنیت رشد در آموزش می پردازد، بررسی می کند که چگونه می تواند الهام بخش نوآوری باشد، انعطاف پذیری را افزایش دهد و پایه و اساس نسلی از افراد آینده نگر را بنیان گذارد.

طرز فکر رشد بیش از یک نگرش مثبت است. این یک تغییر پارادایم است که نحوه درک دانش آموزان از خود و توانایی هایشان را تغییر می دهد (دوک، ۲۰۱۶، ص. ۴۵). با پرورش ذهنیت رشد، مربیان می‌توانند دانش‌آموزان را توانمند سازند تا چالش‌ها را به‌عنوان فرصت‌هایی برای رشد بپذیرند، نه اینکه آنها را به‌عنوان موانع ببینند (یگر^۱ و دوک، ۲۰۱۲، ص. ۷۸). این تغییر دیدگاه برای پرورش مبتکران فردا بنیادی است، زیرا دانش آموزان را تشویق می کند تا به دنبال چالش های جدید باشند و در تعقیب اهداف خود ریسک کنند (بلک ول^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲).

هنگامی که دانش آموزان بر این باورند که تلاش و پشتکار آنها می تواند منجر به بهبود شود، در مقابل شکست ها انعطاف پذیرتر می شوند (هایموویتز و دوک^۳، ۲۰۱۶، ص.

1 -Yeager

2 -Blackwell

3- Haimovitz & Dweck

۹۰). شکست به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند یادگیری، به جای بازتابی از نارسایی، مجدداً در نظر گرفته می شود. با ترویج یک طرز فکر رشد، مربیان می توانند محیطی ایجاد کنند که در آن دانش آموزان مایل به انجام پروژه های جاه طلبانه، آزمایش با ایده های جدید و رهایی از شکست ها با عزم مجدد هستند (سیسک^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۰۲).

علاوه بر این، طرز فکر رشد، عشق به یادگیری و میل به بهبود مستمر را تقویت می کند (مولر^۲ و دوک، ۲۰۱۴، ص. ۶۷). دانش آموزان با طرز فکر رشد انگیزه بیشتری برای جستجوی فرصت هایی برای یادگیری و خودسازی دارند (داک ورت^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۳۰). این انگیزه درونی آنها را به کاوش در زمینه های متنوع، به چالش کشیدن خرد متعارف و کشف راه حل های نوآورانه برای مشکلات پیچیده سوق می دهد (کینگ و جیگر^۴، ۲۰۱۷، ص. ۵۵). همانطور که دانش آموزان اشتیاق به یادگیری را در خود پرورش می دهند، آنها محرک رشد فکری خود می شوند و زمینه را برای یک عمر کنجکاوی و نوآوری فراهم می کنند.

پرورش ذهنیت رشد در آموزش مستلزم تغییر در شیوه های تدریس و فرهنگ کلاس درس است (هولمن و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۰۲). معلمان نقش اصلی را در مدل سازی ذهنیت رشد و ارائه دستورالعمل های صریح در مورد چگونگی رشد و سازگاری مغز ایفا می کنند (دوک، ۲۰۱۶، ص. ۴۵). آنها می توانند دانش آموزان را تشویق کنند تا چالش ها را بپذیرند، از اشتباهات به عنوان فرصت های یادگیری استفاده کنند و تلاش را به عنوان مسیر تسلط تشخیص دهند (راتن^۵ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۷۸). علاوه بر این، ارائه بازخورد سازنده که به جای توانایی های ذاتی بر تلاش و بهبود تمرکز دارد، می

1 -Sisk

2- Mueller

3 -Duckworth

4 -King & Jaeger

5 -Rattan

تواند ذهنیت رشد را در دانش آموزان تقویت کند (پاونسکو^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲).

علاوه بر این، شیوه های ارزیابی و درجه بندی باید با اصول ذهنیت رشد همسو باشد (کینگ و جیگر، ۲۰۱۷، ص. ۵۵). سیستم های درجه بندی سنتی که بر رتبه بندی و مقایسه تأکید دارند، می توانند به طور ناخواسته یک طرز فکر ثابت را تقویت کنند، جایی که دانش آموزان بیش از حد بر اثبات ارزش خود به جای پذیرش فرآیند یادگیری متمرکز می شوند (مولر و دوک، ۲۰۱۴، ص. ۶۷). اجرای ارزیابی های تکوینی و تأکید بر رشد به جای نمرات می تواند فرهنگ یادگیری و توسعه را ارتقا دهد (بگر و دوک، ۲۰۱۲، ص. ۷۸).

فراتر از کلاس درس، والدین و مراقبان نیز نقش مهمی در پرورش ذهنیت رشد در کودکان ایفا می کنند (راتن و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۷۸). ارائه حمایت، تشویق و باور به توانایی های کودک می تواند پایه و اساس یک نگرش رشد محور را ایجاد کند. والدین می توانند با نشان دادن انعطاف پذیری در مواجهه با چالش ها و ارزش گذاشتن به فرآیند یادگیری بر نتیجه، ذهنیت رشد را مدل کنند (داکورث و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۲۳۰).

پرورش ذهنیت رشد در آموزش برای الهام بخشیدن به مبتکران آینده بسیار مهم است. با پرورش باور به پتانسیل رشد و پیشرفت، مربیان می توانند دانش آموزان را برای پذیرش چالش ها، رهایی از شکست ها و پرورش عشق به یادگیری توانمند کنند. از طریق شیوه های آموزشی تعمدی، فرهنگ کلاس درس و حمایت والدین و مراقبان، دانش آموزان می توانند انعطاف پذیری و انگیزه لازم برای تبدیل شدن به یادگیرندگان مادام العمر و حل کننده های خلاقانه مشکلات را توسعه دهند.

نقش بازی و اکتشاف: از خلاقیت تا نوآوری

بازی و اکتشاف اجزای حیاتی توسعه انسانی هستند، به ویژه در زمینه خلاقیت و نوآوری. این بخش به بررسی اهمیت بازی و کاوش در پرورش خلاقیت و پرورش ذهنیت نوآورانه در بین افراد می پردازد. از اوایل کودکی تا بزرگسالی، این فعالیتها تواناییهای شناختی، مهارت‌های حل مسئله و ظرفیت تفکر خارج از چارچوب ما را شکل می‌دهند. درک نقش بازی و اکتشاف در مراحل مختلف زندگی می‌تواند روشن کند که چگونه می‌توان از قدرت آنها برای هدایت نوآوری و خلاقیت استفاده کرد.

در اوایل دوران کودکی، بازی به عنوان یک راه طبیعی و غریزی برای کودکان برای کشف و درک جهان اطرافشان عمل می‌کند (گینزبورگ^۱، ۲۰۰۷، ص ۱۸۲). از طریق بازی، کودکان درگیر فعالیت‌های تخیلی می‌شوند که رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی آنها را افزایش می‌دهد (برگن^۲، ۲۰۱۸، ص ۱۳۵). به عنوان مثال، بازی وانمودی به کودکان اجازه می‌دهد تا با نقش‌ها، سناریوها و نتایج مختلف آزمایش کنند، خلاقیت را تقویت کرده و درک آنها از جهان را گسترش دهند (لیلارد^۳ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۱۲). همانطور که کودکان با اسباب‌بازی‌ها و محیط اطرافشان تعامل دارند، مهارت‌های حل مسئله، سازگاری و انعطاف‌پذیری را ایجاد می‌کنند و پایه و اساس نوآوری‌های آینده را ایجاد می‌کنند.

همانطور که کودکان بزرگتر می‌شوند و وارد آموزش رسمی می‌شوند، نقش بازی و اکتشاف در خلاقیت همچنان قابل توجه است (پلگرینی و دوپویس^۴، ۲۰۱۷، ص ۴۴). رویکردهای آموزشی که عناصر بازیگوش و اکتشافی را در خود جای می‌دهند، می‌توانند کنجکاوی و انگیزه درونی را در دانش‌آموزان تحریک کنند (یوینگ و گیسون^۵، ۲۰۱۷، ص ۸۷). تجربیات یادگیری عملی، آزمایش‌ها و فعالیت‌های پروژه‌محور

1 -Ginsburg

2 -Bergen

3 -Lillard

4 -Pellegrini & Dupuis

5 -Ewing & Gibson

فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا دانش را در زمینه‌های دنیای واقعی به کار ببرند و آنها را تشویق به تفکر انتقادی و خلاقانه می‌کنند (داونتون^۱ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۱۶۷). با پذیرش روش‌های یادگیری بازیگوش، مربیان می‌توانند پتانسیل خلاق دانش‌آموزان خود را پرورش دهند و اشتیاق به اکتشاف را پرورش دهند.

در محل کار، بازی و اکتشاف همچنان نقش مهمی در ایجاد نوآوری ایفا می‌کنند (آماییل و کرامر^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۲۱). سازمان‌هایی که خلاقیت را در اولویت قرار می‌دهند و به کارکنان اجازه می‌دهند ایده‌های جدید را آزمایش کنند، محیطی ایجاد می‌کنند که نوآوری را تقویت می‌کند (شاین^۳، ۲۰۱۶، ص. ۹۵). شرکت‌هایی مانند گوگل و پیکسار به خاطر فرهنگ کاری بازیگوش خود شهرت دارند، جایی که کارمندان در جستجوی راه حل‌های نوآورانه آزادی کشف و ریسک کردن دارند (لی و چوی، ۲۰۱۷، ص ۷۸). محیط‌های کاری بازیگوش نه تنها باعث ایجاد خلاقیت می‌شود، بلکه روحیه کارکنان، همکاری و بهره‌وری کلی را نیز افزایش می‌دهد (روسو^۴ و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۲۰۳).

علاوه بر این، بازی و اکتشاف می‌تواند باعث پیشرفت در پیشرفت‌های علمی و فناوری شود. تحقیقات کنجکاوی محور، که اغلب با میل به کشف ناشناخته‌ها تحریک می‌شود، به اکتشافات پیشگامانه در طول تاریخ منجر شده است (جانسون^۵، ۲۰۱۸، ص ۱۹۲). فرآیند بازیگوشی در تحقیقات علمی، دانشمندان را تشویق می‌کند تا خلاقانه فکر کنند، پارادایم‌های موجود را به چالش بکشند، و مرزهای دانش را پیش ببرند (باربات^۶ و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۲۱۱). نوآوری‌ها در زمینه‌هایی مانند پزشکی، مهندسی و اکتشاف فضا اغلب از ترکیب تحقیقات علمی دقیق و اکتشاف بازیگوش پدید آمده‌اند.

1- Downton

2 -Amabile & Kramer

3 -Schein

4 -Rousseau

5 -Johnson

6 -barbat

بازی و اکتشاف ذاتی رشد انسان هستند و تأثیر عمیقی بر پرورش خلاقیت و نوآوری دارند. از اوایل کودکی تا بزرگسالی، این فعالیت‌ها توانایی‌های شناختی، مهارت‌های حل مسئله و ظرفیت تفکر خارج از چارچوب ما را شکل می‌دهند. پذیرش رویکردهای یادگیری بازیگوشانه و اکتشافی در آموزش می‌تواند پتانسیل خلاق دانش‌آموزان را پرورش دهد و فرهنگ کنجکاوی را القا کند. در محل کار، بازیگوشی می‌تواند باعث نوآوری شود، روحیه کارکنان را تقویت کند و منجر به اکتشافات پیشگامانه شود. با شناخت نقش بازی و کاوش در مراحل مختلف زندگی، می‌توانیم از قدرت آن‌ها برای پرورش جامعه‌ای متشکل از متفکران مبتکر و حل‌کننده مشکلات استفاده کنیم.

مربیان به عنوان مبتکر: مدل سازی رویکردهای تدریس خلاق

در چشم انداز به سرعت در حال تحول آموزش، مربیان نقش مهمی در پرورش نوآوری و خلاقیت در بین دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. به عنوان تسهیل‌کننده دانش و یادگیری، آنها قدرت الگوبرداری از رویکردهای تدریس خلاق را دارند که می‌تواند الهام بخش و توانمندسازی نسل بعدی متفکران و حل‌کننده‌های مسئله باشد. این بخش به بررسی اهمیت مربیان به عنوان مبتکر، تأثیر روش‌های تدریس آن‌ها بر خلاقیت دانش‌آموزان، و اهمیت توسعه حرفه‌ای مستمر برای تقویت شیوه‌های نوآورانه می‌پردازد.

مربیان، به عنوان تأثیرگذاران کلیدی در زندگی دانش‌آموزان، این فرصت را دارند که به عنوان الگوهایی برای خلاقیت و نوآوری خدمت کنند (چفی^۱، ۲۰۱۸، ص. ۴۵). آنها با پذیرش رویکردهای آموزشی خلاق، ارزش تفکر خارج از چارچوب را نشان می‌دهند و دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند که همین کار را انجام دهند (بگتو و کافمن، ۲۰۱۴، ص. ۶۷). مربیان مبتکر اغلب درس‌های جذاب و تعاملی را طراحی می‌کنند که فراتر از روش‌های سنتی است، کنجکاوی دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد و اشتیاق به یادگیری را تقویت می‌کند (سایور^۲، ۲۰۱۷، ص. ۱۱۲). مدل سازی خلاقیت در کلاس درس زمینه را

1 -Chaffee

2 -Sawyer

برای فرهنگ نوآوری فراهم می کند و دانش آموزان را برای توسعه پتانسیل خلاق خود توانمند می سازد.

ترکیب رویکردهای تدریس خلاق، مانند یادگیری پروژه محور و روش های مبتنی بر تحقیق، می تواند تأثیر عمیقی بر تفکر خلاق و مهارت های حل مسئله دانش آموزان داشته باشد (کاراکایا و مارلو^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲۵۳). این روش ها دانش آموزان را تشویق می کنند تا علایق خود را کشف کنند، سؤالات معناداری بپرسند و به دنبال راه حل های منحصر به فرد باشند (کرافت^۲، ۲۰۱۵، ص. ۳۲۱). از طریق تجربیات عملی و چالش های دنیای واقعی، دانش آموزان توانایی های تفکر انتقادی را توسعه می دهند و با موقعیت های نامشخص سازگارتر می شوند (استرنبرگ، ۲۰۱۸، ص ۸۷). مربیانی که از این رویکردها استقبال می کنند، فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم می کنند تا خلاقیت خود را توسعه دهند و در عین حال ذهنیت رشد را پرورش دهند.

علاوه بر این، مربیان مبتکر اهمیت پذیرش فناوری در کلاس درس برای افزایش تجارب یادگیری را تشخیص می دهند (ژائو و فرانک^۳، ۲۰۱۸، ص ۱۴۵). ادغام ابزارها و منابع دیجیتالی امکان مسیرهای یادگیری شخصی سازی شده را فراهم می کند و یادگیری و خلاقیت خودراهبر دانش آموزان را تقویت می کند (اسپکتور^۴، ۲۰۱۶، ص ۲۳۱). علاوه بر این، خود مربیان می توانند با دسترسی به پلتفرم های توسعه حرفه ای آنلاین، ارتباط با سایر مربیان نوآور و به روز ماندن با آخرین تحقیقات در زمینه آموزش از فناوری بهره ببرند (هاموند^۵ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۷۸). یادگیری و توسعه مستمر، مربیان را قادر می سازد تا شیوه های تدریس خود را اصلاح کنند و در خط مقدم آموزش های نوآورانه باقی بمانند.

1 -Karakaya and Marlow

2 -Craft

3 -Zhao and Frank

4 -Spector

5 -Hammond

توسعه حرفه ای همچنین فرصت هایی را برای مربیان فراهم می کند تا با همکاران خود همکاری کنند و استراتژی های تدریس خلاقانه را به اشتراک بگذارند (هارگریوز^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۳). با تشکیل جوامع عملی، مربیان می توانند در بحث های معنادار شرکت کنند، ایده ها را تبادل کنند و از تجربیات یکدیگر بیاموزند (ونگر-ترینر^۲، ۲۰۱۵، ص ۱۸۹). همکاری به مربیان اجازه می دهد تا دانش و تخصص جمعی خود را با هم ترکیب کنند و منجر به ایجاد مشترک روش های آموزشی نوآورانه شود که می تواند برای همه دانش آموزان مفید باشد (لوین و مارکوس^۳، ۲۰۱۸، ص ۱۲۱). این تلاش های مشترک به فرهنگ بهبود مستمر و خلاقیت در موسسات آموزشی کمک می کند.

علاوه بر این، مربیان می توانند از حوزه های مختلف فراتر از آموزش الهام بگیرند تا شیوه های تدریس خود را آگاه کنند (رابینسون^۴، ۲۰۱۵، ص ۵۷). به عنوان مثال، اصول تفکر طراحی را می توان برای ایجاد تجارب یادگیری نوآورانه که بر حل مسئله و همدلی تمرکز دارد، تطبیق داد (براون و وایات^۵، ۲۰۱۵، ص ۸۴). به علاوه، بینش های علوم اعصاب و روان شناسی می تواند به مربیان کمک کند تا درک بهتری از نحوه یادگیری و پردازش اطلاعات توسط دانش آموزان داشته باشند که منجر به راهبردهای آموزشی مؤثرتر می شود (جنسن^۶، ۲۰۱۴، ص ۳۱۹). با جستجوی الهام از منابع مختلف، مربیان می توانند رویکردهای آموزشی خود را غنی کنند و محیط های یادگیری پویا ایجاد کنند.

مربیان نقش مهمی را به عنوان نوآوران در آموزش، الگوبرداری از رویکردهای تدریس خلاق که دانش آموزان را الهام بخش و توانمند می کند، ایفا می کنند. با پذیرش روش های خلاقانه، ترکیب فناوری، و مشارکت در توسعه و همکاری حرفه ای مستمر،

1 -Hargreaves

2 -Wenger-Trainer

3 -Levine and Marcus

4- Robinson

5 -Brown and Wyatt

6 -Jensen

مربیان می‌توانند فرهنگ نوآوری را در کلاس درس و فراتر از آن پرورش دهند. مربیان با استفاده از بینش های بین رشته ای و تشویق کنجکاوی دانش آموزان، این قدرت را دارند که با پرورش ذهنیت نوآورانه نسل آینده، آینده را شکل دهند.

فضایی برای تخیل: طراحی کلاس درس که الهام بخش خلاقیت باشد

ایجاد یک محیط یادگیری مساعد برای پرورش خلاقیت و تخیل در بین دانش آموزان حیاتی است. طراحی یک کلاس درس می‌تواند به طور قابل توجهی بر مشارکت و اشتیاق دانش آموزان برای یادگیری تأثیر بگذارد. این بخش به بررسی عناصر ضروری می‌پردازد که به فضای خلاقانه کلاس کمک می‌کنند، مانند چیدمان صندلی‌های انعطاف‌پذیر، منابع یادگیری تعاملی، و ترکیب عناصر الهام‌گرفته از طبیعت.

یکی از مؤلفه‌های کلیدی طراحی یک کلاس درس خلاق، ارائه چیدمان صندلی‌های انعطاف‌پذیر است که سبک‌های یادگیری متنوع را برآورده می‌کند (هریس و لمبرت^۱، ۲۰۱۷، ص. ۲۳۵). ردیف‌های سنتی میزها تعامل و همکاری بین دانش‌آموزان را محدود می‌کند و از جریان ایده‌ها جلوگیری می‌کند (میترا^۲، ۲۰۱۴، ص ۷۸). در عوض، ترکیب گزینه‌های صندلی انعطاف‌پذیر، مانند کیسه‌های حبوبات، میزهای ایستاده، و گوشه‌های دنج، به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا فضاهایی را انتخاب کنند که با ترجیحات و سطوح راحتی آنها مطابقت داشته باشد (برگمان^۳، ۲۰۱۶، ص. ۱۱۲). صندلی‌های انعطاف‌پذیر حس استقلال را تقویت می‌کند و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا تجارب یادگیری خود را در اختیار بگیرند.

علاوه بر صندلی انعطاف‌پذیر، منابع یادگیری تعاملی نقش اساسی در تحریک خلاقیت دانش آموزان ایفا می‌کند (جانسون و کریستنسن^۴، ۲۰۱۹، ص ۱۴۲). یکپارچه‌سازی فناوری، مانند تخته‌های سفید و تبلت‌های تعاملی، ارائه‌های پویا و غنی از چندرسانه‌ای

1- Harris & Lambert

2 -Mitra

3 -Bergmann

4 -Johnson and Christensen

را امکان پذیر می کند (هاسلر^۱ و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۸۹). علاوه بر این، برنامه های آموزشی و ابزارهای دیجیتالی می توانند دانش آموزان را در تجربیات یادگیری عملی که کاوش و آزمایش را تشویق می کنند، درگیر کنند (گونزالس-گومز^۲ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۷۵). منابع تعاملی فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم می کند تا خلاقیت خود را از طریق رسانه های مختلف بیان کنند و درک خود را به روش های نوآورانه به نمایش بگذارند.

برای الهام بخشیدن به خلاقیت، کلاس های درس می توانند با ترکیب عناصر الهام گرفته از طبیعت از طبیعت الهام بگیرند (هندز و اسپارکس^۳، ۲۰۱۴، ص. ۲۶۷). نور طبیعی، گیاهان داخل ساختمان، و طرح های رنگی خاکی، محیطی آرام بخش و دلپذیر ایجاد می کنند (دودک و کوپروس^۴، ۲۰۱۷، ص. ۲۱۱). قرار گرفتن در معرض عناصر طبیعی با افزایش عملکرد شناختی و افزایش خلاقیت مرتبط است (برتو، ۲۰۱۴، ص ۱۱۲). ایجاد ارتباط با طبیعت در کلاس درس می تواند دانش آموزان را به تفکر خلاق تر تشویق کند و باعث شود در محیط آموزشی احساس آرامش بیشتری داشته باشند.

علاوه بر این، فراهم کردن فضاهای تعیین شده برای فعالیت های خلاقانه می تواند تخیل دانش آموزان را تحریک کند (سایر، ۲۰۱۱، ص ۹۲). یک گوشه هنری اختصاصی با لوازم مختلف هنری یا یک گوشه مطالعه پر از کتاب های متنوع می تواند دانش آموزان را برای کشف علایق و علایق خود ترغیب کند (گاردنر و دیویس^۵، ۲۰۱۳، ص ۴۸). داشتن فضاهایی که ابراز وجود و بازی را تشویق می کند می تواند به رشد تفکر انتقادی و مهارت های حل مسئله منجر شود. وجود این فضاهای خلاق پیام روشنی را ارسال می کند که خلاقیت در کلاس درس بها داده می شود و تجلیل می شود.

1- Haßler

2 -González-Gómez

3 -Hinds & Sparks

4 -Dudek & Quirós

5 -Gardner and Davis